



اعتیاد اطفال و نوجوانان، تراژیدی جدیدی برای افغانستان

شهر هاگ 03 می 2014

درین هفته دو تراژیدی تاریخی یعنی کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ و بقدرت رسیدن تنظیمها در هشت ثور ۱۳۵۸ را تفتیح کردیم. متأسفانه بردوسانحه مذکور که محصول مداخلات بیگانگان و ماهیت ضد مردمی گروه های وابسته به آنها بود. ثور امسال شاهد یک سانحه طبعی-انسانی در قریه باریکاب ولایت بدخشان بود که جان بیش از دوهزار انسان و بیش از هزار حیوانات اهلی و نباتات را گرفت. فارو وقوع این واقعه غم انگیز را که شاید علت آن صرف طبعی نباشد، به مردم شریف ولایت بدخشان و کافه مردم افغانستان تسلیت گفته خواستار تحقیق جدی علت وقوع لغزش کوه و رانش زمین درین منطقه میباشد. دپروزی که خبردیگر نیز در رسانه ها انتشار یافت که مایه تشویش و نگرانی جدی کمیسیون حقوق بشر فارو میباشد. این خیردر مورد شیوع اعتیاد به مواد مخدر در بین اطفال و نوجوانان ماست. این خیر تکانهنده محصول یک گزارش تحقیقی کنسرسیوم رسانه های مستقل (IMC) است. این کنسرسیوم مشتمل بر آژانس های خبری پژواک و کلید و روزنامه هشت صبح است.

گزارش تحقیقی (IMC) بر مبنای یافته های دو تحقیق (سروی) بین لمللی ذیل بنا یافته است: سروی دفتر بین المللی مواد مخدره و حاکمیت قانون (INLEAB) که حاکی ازین حقیقت تلخ بود که از میان ۶،۱ میلیون معتاد افغانستان ۷ فیصد آن اطفال اند، و سروی دیگری که قبلاً در سال ۲۰۱۲ انتشار یافت و حاکی از آن بود که در ۲۵ فیصد خانه های که معتادین کلان سال در آن زندگی میکنند، اعراض اعتیاد در اطفال آن خانه ها مشاهده میشود. همین سروی اضافه نموده بود که وقتی مواد مخدر از دسترس اطفال دور ساخته شده، اطفال معتاد خانه را ترک نموده و زندگی بی خانمان را برگزیده اند. گزارش IMC حاکی از آنست که علاوه بر اطفالیکه حین مهاجرت در ایران معتاد شده اند، عده زیادی از اطفال به دونوع مواد معتاد کننده دسترسی دارند: سرش پتکس (patex) که تلی بوت را با آن نصب میکنند و پترول. وحید الله پسر 17 ساله که بوت ها را در رکهای کابل رنگ میکرد، به ژورنالیست IMC گفته است که بوی پتکس در آغاز خوشش میآمد ولی طی هفت سال گذشته به آن معتاد شده است. شیرین گل خانمی که مصارف زندگی خود را با گدائی در بازار تأمین میکند، اظهار داشته: "برای اینکه بتوانم به کار خود بروم کمی پتکس را به بینی دوظف دو ساله و چهار ساله خود میگذارم تا آنها تا بازگشتم بیدار نشوند و گرمی و سردی را احساس کرده نتوانند". فرهاد دکاندار قلعه موسی چنین ابراز داشته است که سرش پتکس که قیمت آن صرف ۵۰ افغانی است برای اطفال قابل تادیه میباشد و روزانه بیش از ده نو جوان به این بهانه که برای خانه خریداری میکنند، از وی پتکس میخرند. نوجوانان معتاد به پتکس را "سرشی" خطاب میکنند. حمید الله پسر نو جوان دومی ابراز داشته که زمان انتقال پترول برای جنراتورها هر باری که سرپوش گیلنه را باز میکرده و بوی پترول به مشامش میرسیده احساس بشاشیت کرده و آهسته، آهسته به آن معتاد شده است. این نوع اعتیاد قدم نخست برای رو آوردن به اعتیاد به مواد مخدره دیگر بوده است. عبد الله و حمید الله بخت آنرا داشته اند که در شفاخانه سه صد بستر جنگلک بستر شده و مورد مداوا قرار گیرند. در حالیکه ده ها هزار طفل و نوجوان دیگر در مخروبه ها و زیر پلها حتی در چمن منطقه جشن به استفاده از مواد مخدره مضرتری یعنی هیروین و کوکائین میپردازند.

اعتیاد ۶،۱ میلیون افغان به مواد مخدره که ۷٪ آنرا اطفال و نوجوانان تشکیل میدهد، زنگ خطر بزرگی را برای ملت ما بصدا می آورد. این ارقام در مقایسه با ارقام معتادین در کشورهای اروپائی به ارقام نجومی شباهت داشته و وحشت آورند. این وضع از لحاظ انسانی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی برای افغانستان بحران آفرین است. جوانان ۶۰ فیصد نفوس کشور را تشکیل میدهند و سرمایه بشری کشور اند. ضیاع بخشی از این سرمایه ضایعه بزرگ است برای کشوریکه بازسازی و بهسازی اش مربوط و منوط به نیروی جوانش است. گویند جوانان سازنده فردای کشور اند. عکس این ادعا میتواند بالای جوانان معتاد صدق کند. معتادین در تمام دنیا مشکل آفرین و بار دوش جامعه اند. نداشتن

توانائی کار و ضرورت به پول برای خرید مواد مخدره معتادین را به ارتکاب جرایم سوق میدهد. این گروپ ضربه پذیر به آن تعداد که در افغانستان بوجود آمده، میتواند هدف آسان برای سوء استفاده کشورهای همسایه علیه صلح و امنیت کشور خودشان مبدل شوند.

ببینیم کدام اقدامات وقایوی و معالجوی برای جلوگیری از ازدیاد معتادین و معالجه معتادین کنونی، مخصوصاً اطفال و نوجوانان از جانب دولت افغانستان و جامعه بین المللی اتخاذ شده است؟

الف: دولت افغانستان: نا گفته نباید گذاشت که مشکل معتادین افغانستان یک مشکل عظیم است که حل آن مستلزم نیرو، وقت و منابع مالی و تخصصی کافی میباشد. اما مهمتر از همه داشتن تعهد به ملت و تصمیم خدمت صادقانه به وطن و مردم است. در تشکیل دولت افغانستان یک وزارت پالیسی ساز برای مبارزه علیه مواد مخدره موجود است. در چوکات وزارت داخله معینیت مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدره فعال است. در وزارت صحت عامه ریاست مبارزه با اعتیاد به مواد مخدره فعال است. در چوکات وزارت تعلیم و تربیه ریاستهای وجود دارند که نقش مهم در مبارزه علیه اعتیاد بازی کرده میتوانند چون ریاست تربیت بدنی، ریاست تالیف و ترجمه مواد درسی و ریاست تعلیمات ابتدائیه و ثانوی. ریاست عمومی المپیک و شاروالیها نیز در صورتیکه برنامه تشویق سپورت برای همه اطفال کشور داشته باشند، میتوانند در جلوگیری از اعتیاد نقش مهم داشته باشند. بدین ترتیب دیده میشود که از لحاظ تشکیلات کمبودی وجود ندارد. مشکل اینجاست که سر رشته امور درین بخش بر اساس روابط سیاسی با تنظیمهای متحد کرسی و سیستم سهامی قدرت به افراد غیر مسلکی و غیر متعهد که کرسی دولتی را وسیله ای برای بهبود وضع مالی خود و خویش و قوم خود تلقی میکنند، سپرده شده است. بطور مثال وظیفه وزارت مبارزه علیه مواد مخدره (به حواله صفحه انترنتی این وزارت) عبارتست از: " هماهنگ سازی، ارزیابی و تطبیق قانون مبارزه علیه مواد مخدر و ستراتیژی ملی کنترل مواد مخدر در وزارت خانه ها و موسسات ذیربط، و اتخاذ اقدامات لازمه در دفاتر مرکزی و ولایتی مربوطه. در همکاری با وزارت خانه ها و ادارات دیگر، وزارت مبارزه علیه مواد مخدر مسولیت ارزیابی و تعدیلات در ستراتیژی ملی کنترل مواد مخدر را به عهده دارد". شخصی که در رأس همچو وزارت قرار میگیرد باید در رشته های اداره، مواد مخدر و کمیونیکشن تخصص و/یا تجربه داشته باشد. وزیر فعلی این وزارت در یک رشته کاملاً متفاوت دکورا و تجربه کار دارد. صرف بخاطری که پدرش در جهاد فعال بوده و آدم با نفوذ است، مستحق قرار گرفتن در رأس یک وزارت دانسته شده که در مورد آن هیچ تخصصی ندارد. بهر حال وی حداقل در یک رشته دیگر تحصیل کرده و بمراتب بهتر از وزرای سابق این وزارت میباشد. فساد عمومی و نفوذ مافیا در سطوح بالائی دولت از کارائی تشکلهای دولتی فوق الذکر بحدی کاسته که آنها را به نهادهای نمائشی و بی ثمر تبدیل کرده است. بطور مثال مسولین بخش مبارزه با مواد مخدر به قوماندانهای پولیس ولایات مرزی برای کسب این وظیفه سر قفلی گزاف میپردازند و بعد از تقرر از طریق سازش با قاچاقبران مواد مخدره هم مصرف سر قفلی را دوباره پیدا نموده و هم خود در قطار پولدارها قرار میگیرند.

ب: جامعه بین المللی: کشورهای غربی که از ابتدای ورود خویش مبارزه با مواد مخدره را یکی از اهداف اساسی خویش در افغانستان قلمداد کرده بودند، در عمل میکوشیدند این مشکل را به وسیله سمپاشی که برای آنها وسیله کم خطر و ارزان بود ولی باعث صدمه جبران ناپذیر به اراضی زراعتی میشد حل کنند. این راه حل مورد قبول دولت افغانستان واقع نشد. کشورهای که در افغانستان عسکر داشتند، نخواستند با قاچاقبران مواد مخدره طرف شوند و در پهلوی طالبان برای عساکر خویش یک دشمن دیگر نیز خلق کنند. با همین روحیه آنها با زورمندان محلی که اکثرأ در قاچاق مواد مخدره دست داشتند، به سازش پرداخته و این زورمندان را با پول و اسلحه تقویت کردند. دول غربی میدانستند که تولید و قاچاق مواد مخدره در افغانستان برای جوانان کشورهای عضو ناتو نیز نتایج مرگبار خواهد داشت ولی این موضوع در افغانستان برایشان اولویت نداشت و بیشتر به این فکر میکردند که تلفات عساکر شان زیاد نشود. برخی شایعات دیگر در رابطه به نقش این کشورها در قاچاق مواد مخدره هم موجود است. صحت و سقم این شایعات را گذشت زمان بر ملا خواهد ساخت. البته نباید فراموش کنیم که مصارف پرو ژه های خدماتی موجود برای وقایه و علاج اعتیاد به مواد مخدره را همین کشورها و جاپان پرداخته اند. ولی برای همکاری مالی در بخش تهیه امکانات دادن الترناتیف برای دهاقین در سطح افغانستان آمادگی کمک نداشته اند. این موضوع را چندبار مقامات وزارت مبارزه علیه مواد مخدر به رسانه ها خبر داده است.

ج: رسانه ها: رسانه ها، بخصوص رادیو تلویزیون میتوانند نقش مهم در زمینه آگاهی دهی به مردم در ارتباط با اضرار مواد مخدره و چگونگی برخورد با طفل یا نوجوانیکه تمایل به مواد مخدره نشان میدهد، داشته باشند. دربرنامه های عادی تا حدی به این موضوع پرداخته میشود. ولی میزان تبلیغات تلویزیونها درین مورد به هیچصورت متناسب به بزرگی مشکل (اعتیاد ۶،۱ میلیون افغان به موادمخدره که ۷٪ آنرا اطفال ونوجوانان تشکیل میدهد) نمیباشد. رسانه ها باید بیاد داشته باشند که معتادین نیز بخشی از ملت ما میباشند. با تخصیص دادن بخشی از ساعات نشرات به برنامه های آموزشی درساحه وقایه ومعالجه معتادین مخصوصاً برنامه های خاص برای اطفال وبه زبان اطفال در مورد اضرار استفاده از مواد نشه آور، رسانه ها میتوانند نقش شایسته وبایسته خویش را علیه اعتیاد به مواد مخدرایفا کنند.

د: تجاروکارفرما ها: تجارملی میتوانند با واردکردن وفروش کنترول شده مواد اعتیادآور(مثلاً پتکس)از دسترسی یا حد اقل دسترسی سهل اطفال به این مواد جلوگیری کنند. کارفرما های که کارگر طفل یا نوجوان دارند باید متوجه رفتارکارگران خود بوده به آنها بر علیه اعتیاد آگاهی دهند وجلو دسترسی شان به مواد اعتیاد آور را بگیرند.

و: جامعه مدنی: جامعه مدنی افغانستان با وصف نوپا بودن، همین اکنون هم سهمی در اقدامات آگاهی دهی، کمک اولیه به معتادین که بحالت بیهوشی در سرکها دیده میشوند وتأسيس مراکز بودوباش وتداوی معتادین ایفا میکند. متأسفانه این سهم نیزدر مقایسه با بزرگی معضله معتادین نا چیز است. بهترخواهد بود اگر جامعه مدنی اعم خود را متوجه آگاهی دهی به اطفال ونوجوانان و ایجاد مراکز هنمائی برای آنها ساخته دربخش دفاع از حقوق جمعی آنها سگنال های روشن وقاطع به مراجع دولتی وغیر دولتی درگیردرین ساحه داده واز طریق مطبوعات ابعاد بحران را به اطلاع مردم افغانستان وجهان برسانند. مردم ما باید ازین واقعیت مطلع شوند که رقم معتادین ما ازیک میلیون تجاوزنموده واین رقم بزرگ معتادین به یک مشکل بزرگ برای ملت ما مبدل شده است. ملت میتواند رئیس جمهور آینده را وادار به اتخاذاقدامات جدی در چوکات یک استراتژی واقعی ملی وعملی برای خروج ازاین بحران بسازند. نبایدمنتظرخارجیها نشست. به مشکل خویش بایدخودما پردازیم.

"کمیته حقوق بشر فارو"